

### متن پرسش

با عرض سلام خدمت جناب استاد طاهرزاده ده سوال در خصوص ده نکته در باب معرفت النفس- قسمت اول قبل از درج سوال لازم است تشکری ویژه از حضورتان بابت سخنرانی های بسیار جالب ده نکته در باب معرفت النفس بکنم , که مطالبی ارزشمند , شیوا , رسا , دل نشین , و واقعا جذاب و نو بود . مطالب خیلی جامع بود و خیلی جای بحث و حرف و سوال دارد . از همین حیث من سوال ها را برایتان نقل میکنم . اما قبل از سوالات یک نکته , و آن اینکه : من احتمال دادم که اگر مباحث به انتها برسد و من کل سوالات را یک جا از حضورتان بپرسم حجم سوالات بسیار زیاد میشود و ممکن است خاطرتان آزرده شود و کمی خسته کننده و شاید کمی هم اذیت شوید . من دو تا مقدمه از معرفت النفس گوش کردم که ده نکته را خلاصه وار گفتید و شرح نکته اول و شرح نکته ی دوم . اما تعدادی سوال است که به شرح زیر است : ۱- در خواب وقتی نفس از بدن جدا میشود و فارغ از زمان و مکان در محیطی حاضر میشود و با افرادی برخورد میکند , مثلا من دوست ام را در خواب میبینم . یعنی اینکه در همان لحظه هم نفس دوست ام از بدن اش جدا شده و دو تا نفس در عالم معنا با یکدیگر تعامل دارند ؟ خوب این نیاز است که حتما دوست هم خواب باشد , ولی ممکن است او در لحظه ی خواب من بیدار باشد . به نظر خودم اینطوری که من فکر میکنم نیست , ولی دلیلی برایش پیدا نکردم . میشود کمی توضیح دهید . ۲- شما فرمودید که من با تن به کمال میرسد و تن ابزار من است . و اگر بخواهیم که من را به کمال و تجرد برسانیم باید تعلقات , انانیت ها و شهوات را از بین ببریم . خوب من هم تا اینجا موافق هستم . اما اگر خود من میخواهد به کمال برسد و میداند که راه رسیدن به کمال اش توسط تن که ابزار است تامین میشود و از طرف دیگر هم تن باید کنترل محسوسات و دفع تعلقات داشته باشد که من استکمال یابد , پس چرا نفس اینقدر انسان را به پرخوری , پرحرفی , شهوات زیاد , تعلقات و انانیت ها دعوت میکند ؟ مگر نفس نمیخواهد کامل شود پس چرا تن را به این طور چیزها دعوت میکند ؟ ۳- چرا نفس یک انسان جوان او را به تعلقات و شهوات دعوت میکند و نفس یک انسان پیر دیگر به شهوات و تعلقات بی اهمیت است , و اصولا نفس یک پیر به عالم دیگر فکر میکند . مگر نفس آن شخص پیر استکمال یافته که دیگر عالم ماده برایش جذابیتی ندارد و بدن برایش اهمیتی ندارد , ولی نفس آن شخص جوان هنوز , بدن اش برایش اهمیت دارد؟ ۴- اگر نفس در خواب کاملا سیر میکند , پس چرا تمام محیط هایی را که نفس سیر کرده به یاد نداریم , و نمیتوانیم نفس را در همان حالت خواب کنترل کنیم که کجا برو و کجا نرو؟ مثلا بگیم امشب نفس رو ببریم کربلا زیارت . میدانم که نیاز به تزکیه نفس است , ولی تزکیه نفس با تن و من چه میکند که نفس را به تجرد

میرساند و میتواند قابل کنترل باشد ۵- هنگامی که خواب یکی از آشنایان را میبینیم چرا نمیشود در همان حالت معنا ارتباطی برقرار کرد و هنگامی هم که صبح از خواب پا میشویم این قضیه یادمان باشد ، بطوریکه بتوانیم برای همدیگر بیان کنیم ؟ ۶- چطور میتوان وسوسه های شیطانی را از وسوسه های نفسانی تمیز داد؟ آیا میخواهید با توجه به داستان حضرت آیت الله محمدتقی آملی رضوان الله که در خواب شیطان را دیده بود ، که شیطان در خواب همان تجلی نفس اماره اش بود جواب دهید . یعنی اینکه تا درگیر نفس هستیم شیطان بیکار است ؟ و اصولا نفس همان کار شیطان را انجام میدهد ؟ ۷- خداوند در قرآن فرموده و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون . خب یک انسان برای رسیدن به عبودیت باید مراحل زیادی را طی کند و فعلا کار به مسایل عرفانی از قبیل سیر و سلوک ، تهذیب نفس ، لقاالله ، مقام فنا ، فنای بعد از فنا ، و مقام بقا ، معرفت النفس و ... اینها ندارم . آیا همه ی اینهایی که گفتم مربوط به اجنه هم میشود ؟. یعنی اجنه هم مثل ما باید به مقام عبودیت برسند ؟ یعنی به عنوان مثال میگویم که حدیث عنوان بصری را هم میتوان به یک اجنه مسلمان برای رسیدن به عبودیت داد ؟ ۸- اگر درست فهمیده باشم جنابعالی فرمودید معصوم چون قوه وهمیه ندارد و مقام عصمت دارد ، آن سروش معنوی غیبی را عینا دریافت میکند ، بدون اینکه در آن خیال قاطی شود . مثل خواب دیدن حضرت ابراهیم که دید اسماعیل را دارد ذبح میکند . و فهمید این سروش غیبی است و باید اسماعیل را ذبح کند ، و یا مثل خواب هایی دیگر از رسول مکرم اسلام (ص) و اهل بیت (ع). اما در خلل بحث اتان یک خواب از پیامبر تعریف کردید و آن این بود : که پیامبر خواب می بینند که میمون ها از منبر اشان بالا میروند . و این سوال برای من پیش آمد که چرا در این جا پیامبر مانند دفعه های پیشین بطور روشن آن سروش را دریافت نکرد و در غالب تصویر میمون و منبر جلوه کرد ؟ چرا مثل فتح مکه مستقیما ندید و یا مثل خواب ابراهیم خلیل . ۹- زمان خواب دیدن با زمان بیداری مساوی است ؟ یعنی بطور مثال اگر من در خواب ببینم که سه دقیقه است که دارم با دوست ام صحبت میکنم ، در عالم ماده هم سه دقیقه میگذرد؟ ۱۰- عرض کردید هر خوابی را که دیدید به هر معبری ندهید تا تعبیر کند . مثلا معبر ممکن است اشتباه تعبیر کند که مثلا تو تا چند روز دیگر مریض میشوی . و بعد شخص مدام به آن فکر میکند تا مریض میشود . یا مثلا گفتید بهتون میگن یک غده در میارید . اینقدر فکر میکنید که ممکن است یک غده در بیاورید . به نظرتون این همون عقیده ی کتاب راز نیست . کتاب و مستند راز چندین سال پیش فروش بالایی را در سطح جهان پیدا کرده بود و به بهترین شیوه عقاید فراماسون ها و شیطان پرست ها را با زبانی دل نشین به مخاطب القا میکرد و هزاران حاشیه هم داشت . وتفکر راز تمام هستی و مسائل آن را و قضا و قدر و سرنوشت انسان و حیات اش و ... را و همه و همه را منهای خدا مطرح کرد و اینقدر این نوع نگاه ریز بود که کمتر کسی متوجه شد عقاید شیطان در جوامع در حال شکل گیری است . و تفکر راز هم یک حرف کلی داشت : اینکه به هر چی فکر کنی همون میشه . البته استاد زبان ام لال ، من خدای ناکرده قصد جسارت به حضورتان نداشتم . این چند خط توضیحی را هم که درباره تفکر راز دادم ، از این حیث بود که کسی

اگر این سوال را خواند و اطلاعی از تفکر کتاب راز نداشت در چند خط ، خلاصه و مفید متوجه شود که تفکر کتاب و مستند راز انسان را به سمت شیطان میبرد نه حقیقت و موفقیت و سعادت . با آرزوی موفقیت برای شما استاد گرامی

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- در جلسات بعد این موضوع روشن می‌شود که در این موارد یا با صورتی که در ذهن خودتان از دوستتان دارید مرتبط هستید و یا با صورت مثالی دوستتان که در عالم مثال هست و شما در خواب در آن عالم وارد شده‌اید روبه‌رو می‌شوید و لازم نیست دوست شما متوجه باشد چون او معلوم نیست با وجود شخصی خود در مقام مثالی‌اش حاضر باشد ۲- آن نفسی که ما را به پرخوری دعوت می‌کند نفس اماره است و آن نفسی که با رفع تعلقات به کمال خود می‌رسد نفس ناطقه یا قلب است که مورد بحث ما است. نفس اماره مربوط به مباحث اخلاقی است و نه مباحث فلسفی ۳- در هر حال نفس انسان اگر به کمال لازم نرسد تعلقش به بدنش زیاد است چه پیر باشد و چه جوان ۴- نفس در خواب تنها با ملکات خود زندگی می‌کند و اراده‌ای که انسان در دنیا دارد در موقع خواب و مرگ از دست می‌دهد ۵- در هنگام خواب دیدن نفس انسان به صورت علم حضوری با موضوعات ارتباط دارد به همین جهت عموماً خواب او در حافظه‌اش نمی‌ماند ۶- ملاک عبودیت خدا است و سوسه‌های شیطانی انسان را گرفتار تکبر می‌کند ۷- در این‌که طبق آیه‌ای که مطرح کردید بندگی برای جنّ و انس هست حرفی نیست ولی سیر اجنه تا کجا است؟ والله اعلم ۸- چون حقیقت بنی‌امیه که از منبر رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» بالا می‌رفتند میمون است یعنی فقط در حدّ تقلید، دین را پذیرفته‌اند و هیچ بهره‌ی حقیقی از دین نبرده‌اند ۹- در خواب چون نفس ناطقه در صحنه است که مجرد از ماده است زمان معنا نمی‌دهد ۱۰- من نمی‌دانم قضیه‌ی کتاب «راز» چه بوده ولی ما در روایات داریم که تا خواب تعبیر نشده مثل یک پرنده‌ای بالای سر شما است که وارد زندگی شما نشده و اگر تعبیر کردید و غلط تعبیر کردند امکان دارد همان تعبیر غلط وارد زندگی شما شود. و یا در روایت داریم: « زبان؛ مُقَدِّر است» یعنی اگر بگویید امروز روز مشکلی برای من خواهد بود، تقدیر شما مطابق یا زبان شما رقم می‌خورد. البته همه‌ی این‌ها به عنوان اقتضاء است و نه این‌که مطلقاً چنین باشد. موفق باشید